

# تاریخ جنگ

کی. اس. سیدو

ترجمه: داود علمایی

که تاریخ ملت‌ها در مواقعی - عمدتاً یا سهواً - به پیش رفت یا تکوین جنگ کمک کرده و حتی بر ایجاد صلح تاثیر گذار بوده‌اند. بر اساس نظر کوینسی رایت (Quincy Wright) به نظر می‌رسد در نتیجه عدم توازن میان اجرام و توده‌های زمین تضاد و تعارض به وقوع پیوسته که در حدود بیست میلیون سال تشکیل شده‌اند. اما تاریخ جنگ مربوط به موجودات ارگانیک در حدود یک میلیارد سال قبل شروع شده و برای ما خاص تر می‌باشد.

ریشه جنگ میان نوع انسان را می‌توان در انسان‌های نخستین و در ارتباط با رفتار حیوانات هم عصر خود پی جویی کرد. دو نظریه عمده در خصوص ریشه جنگ موجود است: بر اساس نظریه اول، جنگ نیز مانند دیگر ویژگی‌های انسانی - مثل کشاورزی، طبقه‌بندی اجتماعی، ارزش‌ها و واکنش‌های انسانی - ابداع شده است، در حالی که بر اساس نظریه دوم، جنگ نتیجه وجود پرخاش‌گری در نوع انسان است. در نظریه اول بر این موضوع تاکید می‌شود که جنگ از دوره خاصی از تمدن شروع شده و نتیجه تماس و رابطه موجودات بوده است و بنابر ضرورت آموخته شده و توسعه یافته است. به هر حال برخی از مردم شناسان معتقدند که جنگ به عنوان یک ابزار مشروع برای غارت و چپاول در میان انسان‌های نخستین کمتر شناخته شده بود. (۱) در حالی که در نظریه دوم، بر این امر صحنه گذاشته

شاید بتوان تاریخ را این گونه تعریف کرد: ثبت وقایع در زمان و مکان یا در طول یک دوره زمانی خاص. در تاریخ، وقایع مربوط به دوره‌های طولانی یا کوتاه زمانی به صورت شفاهی یا مکتوب بیان می‌شود. از آنجا که یک مورخ به طبقه اجتماعی و نژاد خاصی تعلق دارد، واکنش، شناخت و عکس‌العمل او در زمان ارزیابی و تجزیه و تحلیل وقایع به سمت و سوی خاصی متمایل می‌شود.

تاریخ جنگ مانند تاریخ مربوط به هر یک از ابعاد رفتاری و ستیزه‌جویی انسان شامل نقل وقایع مختلف می‌شود که مبتنی بر خشونت است و بر معیارهای جنگ، نبرد و رزم که در طول حیات یک جامعه، ملت یا تمدن به وقوع می‌پیوندد منطبق می‌باشد. تاریخ جنگ عمدتاً از رفتارهای متمایز جنگی گروه‌ها یا زیرمجموعه آنها تشکیل می‌شود. برای شناخت ماهیت جنگ در دوره‌های مختلف، یک تجزیه و تحلیل جامع از وقایع خاص جنگی ضروری است، همان گونه که هر نوع تغییر در شکل جنگ که ممکن است در یک جنگ جدید ظهور کند و لازم است که مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر آن، شناخت تفکرات مختلف اجتماعی تاثیر گذار بر منافع انسانی، سازمان‌های علمی، اکتشافات جغرافیایی و آب و هوای طبیعی مختلف تاثیر گذار بر تکوین تاریخ جنگ یا سیر قهقراپی آن باید مورد ملاحظه دقیق و جامع قرار گیرند. بنابراین اشتباه نیست اگر فرض کنیم

می شود که شروع جنگ برای دست یابی به قدرت اقتصادی با توسعه دامداری یا کشاورزی همراه بوده است. (۲) کسانی که سیاست گروهی را تبلیغ می کنند این نظریه را قبول ندارند و به نظر می رسد درست نباشد، زیرا این تعریف در تمدن جدید باب شده است، در حالی که اگر جنگ بر واکنش به موقعیت های خاص با استفاده از زور دلالت داشته باشد، جنگ افروزی باید به موجودات زنده اعم از انسان و حیوان اختصاص داشته باشد. جامعه شناسان سابقه جنگ را با سابقه اسکان انسان در مکان خاص یکی می دانند.

ریشه و منبع جنگ را می توان در چهار دوره تکاملی انسان بررسی و جست و جو کرد. این چهار دوره عبارت اند از: دوره های حیوانی، انسان های نخستین - بدوی - تمدن باستان و دوره های معاصر. وقتی خشونت و پرخاش گری در رفتار انسان مورد بررسی قرار می گیرد، جنگ نیز مانند خوردن و خوابیدن بخشی از زندگی انسان تلقی می شود. (۳) برای مثال، جنگ در دوره حیوانی به لحاظ روان شناختی مانند جنگ در دوره معاصر می باشد، در حالی که جنگ در دوره های نخستین - بدوی - و باستانی را باید از منظر اجتماعی و حتی حقوقی مورد بررسی قرار داد. برای درک و شناخت جنگ باید یک ملاک و معیار خاص را مورد توجه قرار داد که مبتنی بر انگیزه، عملکرد، روش و نظریه باشد.

### ۱- جنگ حیوانی

دوره جنگ حیوانی به دوره قبل از تاریخ انسان مربوط می شود که در آن دوره انسان با حیوان تفاوت هایی به لحاظ شکلی داشته، اما مانند حیوانات زندگی می کرده است. واکنش های پرخاش گرانه انسان در این دوره بیشتر ارگانیکی بوده تا اجتماعی و در زمان تخصص و مبارزه به لحاظ انگیزه، عملکرد، روش و نظریه حرکت های حیوانی از خود بروز می داده است. مطالعه این دوره برای درک اصول ارگانیکی و گرایشات اجتماعی جنگی، تأثیر روش های نظامی و جنگی بر بقا و رشد جوامع و نژاد انسانی مفید می باشد.

### الف) انگیزه ها

انگیزه های اقدام های خشونت بار در دوره جنگ حیوانی از بُعد وسیله و هدف عمدتاً به دلایل نیاز به غذا، نیازهای جنسی، تسلط بر دیگران، دفاع از خود، خانه و سرزمین، استقلال عمل و مراقبت از

جامعه بوده است. خشونت در انسان - مانند حیوانات - به دلیل محرک هایی بود که از نیازهای فوق الذکر نشأت می گرفت. حیوانات به دلیل نداشتن قوه ذهنی و فکری - همانند انسان در دوره حیوانی - با سبوعیت مبارزه می کردند، اما جذب و گرایش به فرار در آنها بیشتر از مبارزه و خشونت دیده می شد. این انگیزه در جوامع ابتدایی و منظم برخی گونه های حیوانی مانند زنبورها و مورچه هادر حرکت جمعی و نمایش انگیزه های اجتماعی به دلیل نیاز به غذا و قلمرو و در برخی موارد به دلیل نیاز به مهاجرت دیده می شود. مردم شناسان اعتقاد دارند که انگیزه تسلط و غلبه در میان حیوان ها - تقریباً مثل انسان - مرسوم تر است. اگر چه انگیزه فعالیت و انگیزه های جنسی در برخی گونه ها نیز دیده می شود، اما خشونت و پرخاش گری فردی به دلیل نیاز به غذا میان گونه های مختلف حیوانی بیشتر از یک گونه خاص وجود دارد. با ملاحظه انگیزه ها و رفتارهای انسان و حیوانات هم عصر او - که در خط حرکتی یکدیگر نمی باشند - می توان به چپستی ماهیت جنگ در میان انسان های اولیه (۴) پی برد. مشخص شده است که در انسان و حیوان غریزه مالکیت به عنوان یک عامل بسیار مهم موجب تنازع بقا و رقابت می باشد. در مواقع زیادی وارد کردن یا وارد شدن یک غریبه در یک گروه یا دلسردی و سرخوردگی منجر به جنگ و درگیری می شد. اگر فرض کنیم که جنگ واکنشی به موقعیت های خاص و با استفاده از خشونت می باشد، مجموعه انگیزه های موجود در حیوانات در سطوح فردی و گروهی - قدرت حمله شیرها، قدرت فرار آهوها، قدرت گروهی بوفالوها، میزان و قدرت تعاون فیل ها و همکاری و تعاون مورچه ها - را می توان مشابه رفتارهای خشونت آمیز انسان دانست. به همین نحو رفتارهای گروهی میمون ها در اسارت، نشان می دهد وضعیت پرخاش گری به سرعت ستیز تبدیل شده است. بررسی کامل رفتار انسان در دوره حیوانی و حیوانات هم عصر او نشان می دهد که وضعیت های منتهی به حمله به ویژه وضعیت های مرتبط به دست یابی نرها به ماده ها، کنترل قلمرو و غذا و تولید نسل معمولاً با الگوهای تسلط مرتبط می باشد. (۵)

### ب- عملکردها

رفتارهای مشابه در حیوانات و انسان ها حاکی از عملکردهایی است که ممکن است ناشی از رقابت های اقتصادی و اجتماعی و

تاریخ جنگ مانند تاریخ مربوط به هر یک از ابعاد رفتاری و ستیزه‌جویی انسان شامل نقل و قایع مختلف می‌شود که مبتنی بر خشونت است و بر معیارهای جنگ، نبرد و رزم که در طول حیات یک جامعه، ملت یا تمدن به وقوع می‌پیوندند منطبق می‌باشد. تاریخ جنگ عمدتاً از رفتارهای متمایز جنگی گروه‌ها یا زیرمجموعه آنها تشکیل می‌شود. برای شناخت ماهیت جنگ در دوره‌های مختلف، یک تجزیه و تحلیل جامع از وقایع خاص جنگی ضروری است، همان‌گونه که هر نوع تغییر در شکل جنگ که ممکن است در یک جنگ جدید ظهور کند و لازم است که مورد بررسی قرار گیرد.

برای استفاده از خشونت بیشتر با ملاحظه منافع فردی مورد حمایت قرار می‌گیرد و روش‌ها و سلاح‌های مورد استفاده در مبارزه در دوره جنگ حیوانی را تعیین می‌کند.

### ج- روش‌ها/سلاح‌ها

روش‌ها و سلاح‌های مورد استفاده انسان در خلال دوران جنگ حیوانی شامل استفاده از دست‌ها، ناخن‌ها، دندان‌ها و برخی قسمت‌های دیگر بدن می‌شد. به کارگیری گاه و بی‌گاه سنگ نیز در برخی گونه‌های خاص مثل میمون‌ها و گوریل‌ها دیده می‌شد. حیوانات و انسان‌ها با وجود این شباهت‌ها در استفاده از سلاح و ابزارهای دیگر برای حمله و دفاع با یکدیگر متفاوتند. روش مبارزه و حالت استفاده از ابزار در طول زمان و با افزایش تجربه پیش رفت کرد، هر چند تغییر عمده‌ای در نوع ابزارها دیده نمی‌شود. خصومت و نزاع نیز کم و بیش در یک وضعیت ثابت باقی ماند که عمدتاً با هدف تملک جنس مؤنث توسط مذکر، دست‌یابی به غذا و قلمرو، تولید مثل و حفظ رهبری بر گروه انجام می‌گرفت.

مطالعه خصومت میان حیوانات نشان‌گر این مطلب است که عناصر حمله و دفاع در حیوانات متنوع‌تر از بشر می‌باشد که ارتباط آن را با مبارزه و حفظ نسل را به راحتی می‌توانیم متوجه شویم. امتیازات تحرک، ضربه‌زنی، دفاع و حمله گروهی در اشکال متفاوت گونه‌های حیوانی و پرندگان باعث استفاده از مانور، پراکندگی و مقاومت می‌شود. انسان توانست روش مقاومت را بیاموزد و خود را با آن سازگار نماید و همچنین یاد گرفت که توازن میان کارایی به دست آمده از انعطاف و تلفیق امور می‌تواند باعث حیات او شود.

### د- نظریه

کونیسی رایت در کتاب خود به نام مطالعه جنگ نظریه جنگ حیوانی را با نظریه تکامل ارگانیکی مقایسه کرده است. وی نظریه ارگانیکی را بر مبنای بقای سازگارتر استوار ساخت، زیرا در سیستم تکامل ارگانیکی توازن به نفع نوع قوی‌تر و نابودی نوع ضعیف‌تر جریان دارد. بر مبنای این نظریه، دو بُعد مهم مطرح می‌شود: بُعد اول به گونه‌هایی مربوط می‌شود که در استفاده از خشونت ماهرترند و بُعد دوم به گونه‌هایی مربوط می‌شود که تحرک بیش‌تری دارند. هر دوی این ابعاد نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در بقای در جنگ دارند.

تنازع بقاء به ویژه به صورت فردی و در برخی موارد به صورت جمعی باشد. شباهت عادت‌های انسان و حیوان وقتی که انسان هنوز برتری خود را نسبت به حیوانات متوجه نشده بود به شباهت در رفتارهای آنها منجر می‌شد. مبارزه میان انسان‌ها در این دوره را شاید بتوان از منظر کارکردی با مبارزه حیوانی به یک گونه تفسیر کرد. بنابراین عملکردهای جنگ حیوانی ارائه‌گر رفتارهای حیوانی‌تر بودند. دیوید ال. سیلز (David L. Sills) معتقد است ویژگی اصلی عملکردها در میان گونه‌های مختلف حیوانی ثابت می‌کند که "صیاد برای کسب غذا به دیگر حیوانات حمله می‌کند و برای دفاع از خود اقدام به مبارزه می‌نماید. این گونه فعالیت‌ها شبیه اقدامات انسان در شکار یا درنده‌خویی حیوان می‌باشد و واژه جنگ در این مورد صادق نمی‌باشد." (۶) رابطه میان همکاری و هم‌زیستی برای به دست آوردن قلمرو و کنترل آن، تنازع بقاء و تسلط بر دیگران بیان‌گر این نکته است که می‌توان درباره ماهیت خصومت‌ها و تکامل نوع انسان و در خصوص روش‌های مبارزه، الگوهای رفتاری و ابزار مورد استفاده او در زمان‌های نخستین را شناخت کافی به دست آورد. رفتار انسان

وقتی نسبت به تجزیه و تحلیل آنها اقدام می‌کنید متوجه می‌شوید که خشونت جنس نر در دفاع از خانه و خانواده ظاهراً در انسان و حیوان یکسان است. همچنین حشراتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند برای تقویت انسجام داخلی خود در دفاع در برابر تهدیدات بیرونی و دستیابی به غذا و تولید مثل به صورت جمعی فعالیت می‌نمایند.

جنگ حیوانی به میزان زیادی به افزایش فهم و شناخت روان‌شناختی زمان جنگ انسان کمک کرده، و مشخص شده است که نقش تسلط، فعالیت و جنسیت در نزدیک‌ترین خویشان انسان اولیه و بدوی بسیار زیاد بوده است. (۷)

با وجود شباهت‌های ذکر شده میان انسان و حیوان در مورد خشونت، تفاوت‌های عمده‌ای نیز به دلیل برتری انسان در حوزه توانایی او در سخن گفتن وجود دارد که در انتقال احساسات و هیجانات او مفید است و راه را برای کسب توانایی سازمان‌دهی اجتماعی هموار می‌سازد. ارتباط دو جانبه به توسعه قوه فیزیکی و ذهنی انسان کمک کرد و باعث شد به تدریج تفاوت‌هایی در روش مبارزه میان حیوان و انسان - به عنوان یک موجود مستقل - پدید آید.

## ۲- جنگ بدوی

دوره زمانی میان جنگ حیوانی و جنگ دوره تمدن - که انسان خود را برای زندگی خود مختارانه آماده می‌کرد ولی هنوز در ایل، قبیله و روستا با زبان، فرهنگ، آداب و رسوم خاصی زندگی می‌کرد - را دوره جنگ بدوی نام گذاری کرده‌اند. به دلیل موجود نبودن اسناد مکتوب از دوره پیش از تاریخ، اطلاعات مربوط به زندگی انسان در آن دوره بسیار محدود و ناچیز است چه رسد به اطلاعات در مورد هنر جنگ. با این حال بر مبنای مطالعات مردم‌شناسی مشخص شده است که انسان بدوی می‌توانست صحبت کند، امانی توانست بنویسد و اصولاً بر اساس رابطه خونی یا اهداف مشترک دیگر مثل شکار با دیگر انسان‌ها جمع می‌شده است. زمانی که قوه ذهنی او توسعه یافت و از حیوان بالاتر رفت، در موضعی قرار گرفت که به شکار حیوانات اقدام کرد و با کسانی که قدرت یا دارایی‌های او را به چالش می‌کشیدند، مبارزه کرد. او با استفاده از سنگ، نیزه، چماق، چوپ و تیر و کمان واکنش نشان می‌داد و از پوست حیوانات برای ساخت سپر در

کارهای دفاعی استفاده می‌کرد.

گروه‌های انسان که مانند گله‌های حیوانات از جایی به جای دیگر حرکت می‌کردند، به تدریج خود را برای زندگی جمعی بر مبنای علقه‌های نژادی، زبانی و فرهنگی در محدوده‌های جغرافیایی سازمان‌دهی کردند که بعدها به عنوان مردم با رابطه‌های داخلی و خارجی شناخته شدند. برای مثال مردم ساکن در یک منطقه احتمالاً هم نژاد بوده و فرهنگ مشابه داشتند، اما قبیله‌های مختلف از لحاظ عملکرد، انگیزه و روش‌های اجرای مبارزه و جنگ با یکدیگر متفاوت بودند که می‌توان آنها را به لحاظ جغرافیایی بر مبنای قاره‌ها و با شرایط مختلف آب و هوایی و توپوگرافیکی تقسیم‌بندی کرد. مشخص شده است که مردم ساکن در مناطق فوق‌العاده سرد یا گرم در مقایسه با مردمی که ساکن مناطق معتدل یا اندکی گرم هستند از روحیه جنگی کم‌تری برخوردار می‌باشند. برخی صاحب‌نظران نیز دریافته‌اند که مردم ساکن در صحراها یا مناطق ساحلی در مقایسه با مردم ساکن در جنگل‌ها و کوهستان‌ها روحیه جنگی بیش‌تری دارند، زیرا چادر نشین‌ها ساکن در صحراها برای حملات در فاصله‌های زیاد بدون دفاع طبیعی سازگارتر می‌باشند. به این دلیل، مردم ساکن در صحراها مبارزه را به منظورهای دفاعی و تهاجمی پذیرفتند. اما مردمی که در نزدیکی سواحل دریاها زندگی می‌کردند با دزدی دریایی و خطر سفر بر روی آب آشنا شدند و نسبت به کسانی که در جنگل‌ها و کوهستان‌ها زندگی می‌کردند امنیت کم‌تری داشتند. در عوض کسانی که در جنگل‌ها و کوهستان‌ها زندگی می‌کردند به دلیل منابع و موانع طبیعی از امنیت و ثبات بیش‌تری برخوردار بودند.

جنگ بدوی، مانند جنگ حیوانی، در سایه تعامل چند جانبه میان ساختارهای مختلف اجتماعی تکمیل شد. ریشه‌ها و انگیزه‌های تاریخی جنگ، هر چند به خوبی مشخص نیست، ولی پیش از شروع جنگ بدوی وجود داشته و بخش عمده‌ای از آن نیز پس از آن ادامه یافته است.

چنانچه به انگیزه‌ها، دلایل و الگوهای جنگ بدوی نظر بیفکنیم، متوجه می‌شویم که بدون فهم ریشه‌های اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر انسان نمی‌توان آن را شناخت. ظاهراً مفهوم جنگ بدوی از

جنگ حیوانی دقیق تر است، زیرا شامل خشونت علیه گونه‌های دیگر حیوانی، خشونت علیه دیگر انسان‌ها و خشونت علیه یک عضو مطرود در یک گروه نمی‌شود. (۸) انسان بدوی بیشتر مبارزه می‌کرد، اما حملات کوتاه و ناگهانی رایج تر بود. نهادینه کردن جنگ، کم و بیش محدود باقی ماند و آن هم در انتقام گروه از یک گروه یا قبیله دیگر - معمولاً به دلایل همسرربایی یا جادوگری - انجام می‌شد. منافع اقتصادی یا پیروزی‌های سیاسی تا زمان رواج کشاورزی و گله‌داری به عنوان انگیزه‌های قوی برای شروع جنگ مطرح نبودند. (۹) گله‌داری و کشاورزی، قبایل را توسعه داد و باعث شد جنگ جوها و سلاح‌های تخصصی تر و تاکتیک‌های مؤثرتر مطرح شوند. به این ترتیب تغییر عمده‌ای در انگیزه‌های جنگی همراه با افزایش تلفات پدید آمد.

### الف) انگیزه‌ها

انگیزه‌های محرک در جنگ‌های بدوی کم و بیش مانند جنگ‌های حیوانی بود که در سطح گروهی به نمایش در می‌آمد. این انگیزه‌ها عبارت بودند از: غذا، جنسیت، قلمرو، دفاع از خود، دفاع از گروه، تسلط، تولید مثل و استقلال فردی. شیبخون‌ها و حملات چادر نشین‌های بدوی به همسایه‌های خود به دلیل نبودن مراتع حاصل خیز و گله انجام می‌شد و جنگ برای دست یابی به شکار و غذا در می‌گرفت. خون خواهی و انتقام به دلیل تجاوز به زنان اصلی ترین دلیل جنگ در میان قبایل تلقی می‌شد. زیبایی زنان نیز اغلب دلیل خصومت میان جنگ جویانی می‌شد که در پی نشان دادن شجاعت خود بودند.

انسان‌های بدوی با شروع زندگی در قبایل و ایل‌ها یاد گرفتند محل‌های ثابتی به شکل روستا برای زندگی خود انتخاب کنند و با زبان مشترک صحبت کنند، این امر باعث شد آگاهی سیاسی انسجام یافته مطرح شود. برخی صاحب نظران معتقدند که رابطه خونی نقش بسزایی در سازمان دهی دارد. (۱۰) در نتیجه ارتباطات خویشاوندی، آداب و رسوم خاصی به وجود آمد که به تدریج پایه روابط عملی و روش‌های جنگی را تشکیل داد و قدرت به اصل ثابت و دائمی رفتار انسان تبدیل شد. با این حال تا زمان شروع دوره تمدن، خصومت‌ها به ندرت تابع حرفه نظامی‌گری، سلاح‌های خاص یا ابزار آلات و

روش‌های مشخصی بود که به دنیای متمدن کمک می‌کرد.

نبودن وسایل حمل و نقل و ناکامی در مواجهه صحیح با مشکلات آب و هوایی از موانع اصلی توسعه هنر جنگی محسوب می‌شدند؛ اما به طور قطع شجاعت، وفاداری و اطاعت در ظهور تمدن مؤثر بود و به ایجاد گروه و روش‌هایی برای توسعه قلمرو آن کمک کرد. (۱۱)

مبارزه نیز آخرین راه برای تصاحب سرزمین یا قلمرو برای حل مشکل افزایش جمعیت محسوب می‌شد. توسل به مبارزه و جنگ برای ماجراجویی و ورزش در میان رهبران قبایل یا گروه‌ها نیز اغلب مرسوم بود. ماهیت یا چگونگی جنگ ناشی از دلیل دشمنی و یا ماهیت دشمن بود. تمایل به تسلط و دفاع از خود همان گونه که در انسان متمدن و معاصر دیده می‌شود در انسان بدوی نیز وجود داشته است.

### ب- عملکرد

عملکردهای جنگی در دوره انسان بدوی - همانند انگیزه‌ها - به دلیل توسعه قوه ذهنی و شرایط محیطی از دوره جنگ حیوانی متفاوت هستند. در دوره جنگ حیوانی، عملکردها عمدتاً به دفاع از افراد محدود می‌شد، اما تمرکز عملکردی در دوره جنگ بدوی به دفاع از اجتماع و نژاد و برآوردن نیازهای خاص شخصیتی در انسان تغییر کرد. (۱۲)

احیا و حفظ انسجام گروه‌های سیاسی و قبایل همچنان که به کالاهای اقتصادی مرتبط می‌شد آشکار بود که با ابزار و روش‌های موجود قابل حصول بود و برای تأمین فیزیکی اعضای گروه یا قبیله کافی محسوب می‌شد و همچنین از این امر اطمینان حاصل می‌شد که به تعداد کافی زن در قبیله یا گروه وجود دارد. در این دوره جنگ برای از بین بردن جمعیت انجام نمی‌گرفت. ویژگی اصلی عملکردها در دوره جنگ بدوی استفاده از زور توسط گروه برای دفاع در برابر اغتشاش داخلی و تهدیدات بیرونی بود. کامیلا اچ. وود (Camilla H. Wedgewood) گزارش می‌کند که: میل به جنگ به عنوان یک روند همسرربایی میان نژادهای مختلف، تجارت و دیگر ارتباطات میان همسایه‌ها به کار می‌رفت، همچنان که جنگ برای بیان نارضایتی و تقویت روابط نیز به کار می‌رفت. (۱۳) یک عملکرد مهم دیگر جنگ

نیز افزایش انسجام اجتماعی گروه‌های مخالف جنگ می‌باشد. (۱۴) گاهی اوقات برپایی جنگ معمول نبود، زیرا منابع در مقایسه با جمعیت به اندازه کافی موجود بود. در خاتمه شاید قابل قبول باشد که ذکر کنیم جنگ بر سر قلمرو، برای حفظ تسلط و خنثی کردن تسلط نیز برپا می‌شود.

### ج- روش‌ها

روش‌های آموخته شده و مورد استفاده انسان بدوی منطبق با توانایی‌های او برای ساخت، به کارگیری و سازمان‌دهی ابزار و آلات نظامی، سلاح‌ها و نیروی انسانی ورزیده و دیگر وسایل جنگی برای مبارزه بود و با توجه به محسنات و امتیازات مناسب تاکتیکی و استراتژیکی به کار می‌رفت. باید در نظر داشت همگی این موارد را می‌بایست در زمان مورد نیاز و در غیاب یک ارتش دائمی حرکت داد. (۱۵)

سلاح‌های انسان بدوی کارکردهای دفاعی و تهاجمی داشتند. سلاح‌های اصلی عبارت بودند از: چکش، تبر، نیزه و پس از آن شمشیر برای درگیری‌های نزدیک و برای پرتاب به راه‌های دورتر نیزه، زوبین و تیر که بادست پرتاب می‌شدند و تیر و کمان یا منجنیق که سنگ را پرتاب می‌کردند. مواد مورد استفاده برای ساخت این سلاح‌ها عمدتاً از چوب، سنگ و استخوان حیوانات بود و در مراحل بعدی گاه و بی‌گاه از سم بر روی نیزه‌ها و تیرها استفاده می‌شد. سربازان بیشتر شبیه شکارچی‌ها بودند. آمارها و مطالعات مردم‌شناسی درباره‌ی این دوره نشان می‌دهند که انسان بدوی با توجه به نیاز و توانایی‌های خود نسبتاً از تاثیر زره اطلاع داشته است. به کارگیری چرم یا پوست و چوب به عنوان زره در اواخر این دوره کاملاً مرسوم بوده است. تحرک جنگ‌جو فقط محدود به استفاده از پا و تناسب اندام او بوده است، زیرا او هنوز به استفاده از حیوانات برای جابه‌جایی پی نبرده بود. این امر به او مزیت دسترسی به تپه‌ها، بیشه‌زارها و ... را بدون سر و صدا و مشخص شدن جای خود می‌بخشید و قدرت بدنی فردی، اصلی‌ترین عنصر فریب در مبارزه شناخته می‌شد.

مفهوم تاکتیک‌های گروهی یا جمعی به شکل بسیار محدود بود هنوز توسعه پیدا نکرده بود و تاکتیک‌های عمومی با یورش یا کمین

ناگهانی برای غافل‌گیری استفاده می‌شد. با این حال، تمایل به عقب‌روی در مراحل اولیه غافل‌گیر شدن بسیار مرسوم بود. بنابراین انسان بدوی تمایل غریزی قوی‌تری نسبت به فرار داشت تا مبارزه، مگر آنکه تحت شرایط غیر قابل اجتناب قرار می‌گرفت. این نکته نشان می‌دهد که او فاقد روحیه یا ایمان همانند انسان دوره باستان بوده و نیز نشان می‌دهد که او به تدریج به ضربه از راه دور متکی شده است.

جنگ بدوی عمدتاً از لحاظ آمادگی با جنگ حیوانی متفاوت است و شامل سلاح‌های نظامی، سازمان‌دهی و تحرک و استفاده از این موارد در امور تاکتیکی و استراتژیکی می‌شده است. بر خلاف انسان عصر باستان که فقط می‌توانست از سلاح‌های شخصی مثل دست‌ها، مشت‌ها و ناخن‌ها استفاده کند، انسان بدوی در استفاده از سلاح‌های شخصی به مهارت و توانایی‌های تاکتیکی خود متکی بود. انسان بدوی با تقلید از شیر، پلنگ و گرگ و از سلاح‌هایی که از شاخ، چنگ و دندان حیوانات، سنگ و چوب می‌ساخت، در امور دفاعی استفاده می‌کرد.

با افزایش تدریجی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، تعداد مردان جنگی گروه‌ها نیز افزایش یافت که این امر باعث شد کیفیت و کمیت سلاح‌ها نیز افزایش یابد. هم‌زمان با این مسئله نیاز به افزایش روحیه، ایمان، نظم و انضباط نیز همراه با نیاز به تغییر تاکتیک در فرار احساس شد، هر چند روش‌های جنگی او بدون تغییر ماند. البته زمانی که برای او عنصر اقتصادی و اهداف سیاسی معنا پیدا کردند استراتژی، تاکتیک، سلاح و روش‌های جنگی نیز تغییر یافتند.

مطالعات و سوابق مردم‌شناسی نشان می‌دهند که مردان برخی از قبایل برخلاف حرفه خود در مبارزه شرکت می‌کردند، در حالی که در برخی دیگر از قبایل، حرفه عده‌ای از مردان مبارزه بوده است. در میان مردم کشاورز ذکری از طبقه و حرفه تخصصی نظامی به میان آمده است. (۱۷)

### د- نظریه

جنگ‌های بدوی در اواخر این دوره و قبل از دوره جنگ‌های باستانی - شروع تمدن - مورد توجه قرار گرفته‌اند. قوانین جنگی در جنگ‌های بدوی به شکل آداب و رسوم گروهی یا الگوهای رفتاری اعضای گروه وجود داشته است. قبایل مختلف الگوهای رفتاری

مختلف و مخصوص به خود داشته‌اند که این امر تعمیم و کلی‌سازی یک قانون جنگی در میان قبایل مختلف را در این دوره زمانی مشکل می‌سازد. نبودن ارتباطات مشترک مانند زبان، آداب و رسوم و از همه مهم‌تر میل به خودپرستی شخصی میان رهبران قبایل اجازه نمی‌داد تعامل دو جانبه میان قبیله‌های ساکن در فواصل دور برقرار شود.

جنگ بدوی به عنوان پیش درآمد جنگ تاریخی و باستانی و مثل یک عامل مهم در توسعه تمدن ایفای نقش کرد. از لحاظ نظامی، جنگ بدوی در توسعه شجاعت، وفاداری و اطاعت به وجود آمده با شرایط عمل دو جانبه یا برتری تحمیلی رهبر قبیله مؤثر بود. گروه‌های اجتماعی منسجم که با یک روند تدریجی رشد و توسعه می‌یابند در توسعه جمعی زیرساخت‌های قبیله و حفظ انسجام فردی مؤثر بودند. تنوع قوانین در قبایل مختلف در جنگ‌های بدوی باعث می‌شود برخورد با مسائل عمومی سخت باشد، زیرا یک قانون عمومی مشابهی نمی‌توان برای تمام قبایل و گروه‌ها مورد استفاده قرار داد.

راه‌ها و روش‌های جنگ بدوی به صورت پیش در آمد و مقدمه جنگ تاریخی و دوره باستان بوده و نقش مؤثر داشته‌اند. نظریه عمومی و قابل قبول در جنگ بدوی را می‌توان عمدتاً انتقام‌گیری، خون‌خواهی یادست‌یابی به جلال و شوکت و تسلط بر افراد، خانواده یا گروه‌ها دانست. رشد آهسته خطوط قریب اجتماعی در جوامع ایستا ثابت می‌کند چشم‌انداز تهاجم و تجاوز نسبتاً وجود داشته است. مبارزه‌ها به ندرت طولانی می‌شدند. مراسم برپا شده پس از پایان خصوصاً هاشان می‌دهد مردم نیاز به اجتناب از کشتار غیرطبیعی و غیرعادی دشمن را می‌شناخته‌اند و می‌دانستند جنگ می‌تواند به طور کامل باعث انقراض نسل انسان در یک منطقه خاص شود. تمرکز اصلی تاکتیک‌ها عمدتاً بر کمین ناگهانی و گروهی در شب بوده که قربانی در یک موقعیت نامناسب و ناآماده گیر افتاده و مهاجم ضربات کاری را بر او وارد کرده و به سرعت فرار می‌کرده است. اصل تمرکز که از طریق تعاون در میان مردم بدوی به دست می‌آمد محصول تکامل ناآگاهانه و افزایش جمعیت (۱۸) بوده است.

گروه‌های دوست‌دار جنگ در میان انسان‌های بدوی به لحاظ فردی و نیز به لحاظ نوع و تقسیم‌بندی افزایش می‌یافتند. با این حال

ترس از دشمن بیرونی همچنان یک عامل برجسته در شکل‌گیری نگرش مردم نسبت به جنگ بود. کسانی که تمایل به جنگ داشتند، در جذب کسانی که جنگ را دوست نداشتند موفق بودند که این موضوع، راه را برای به وجود آمدن انواع مختلف جنگ - جنگ تاریخی یا جنگ دوره باستانی - باز کرده است.

### ۳- جنگ‌های باستانی و دوره تاریخی

با اطلاع از این موضوع که درگیری و ستیز باعث شد ویژگی مهلک بودن در انگیزه‌های جنگی و روش‌هایی غیر از مذاکره و مصالحه - با استفاده از روش‌های نظامی و توسعه قوه اجتماعی - مذهبی - توسعه یابد، جنگ دچار انقلاب در شکل، استراتژی‌ها، سلاح‌ها، تاکتیک‌ها و نحوه به کارگیری شد. شاید بی‌انصافی نباشد اگر جنگ‌های باستانی و دوره تاریخی را سرآغاز تولد جنگ‌های معاصر و دوره جدید بدانیم. در این جنگ‌ها مهلک بودن و توحش بر ظرفیت انسان در استفاده از قوه فکری برتری یافته و توانایی فیزیکی او برای به کارگیری سلاح در کسب موفقیت و توسعه سلاح برای برتری فیزیکی اش افزایش یافته است. این تحولات در جنگ نشان از و اخوردگی توانایی انسان نسبت به توانایی سلاح‌ها دارد.

چه بسا بتوانیم شروع جنگ باستانی و تاریخی را از حدود ۱۵ قرن قبل از میلاد مسیح و همزمان با ابداع خواندن و نوشتن بدانیم. در این زمان تاثیر نوشتن یا زبان در برقراری ارتباط مکتوب به شکلی است که می‌توانیم واکنش‌های انسان را در مورد تعاملات دو جانبه و به ویژه تصمیم به صلح یا جنگ پی‌گیری نماییم. بهترین نمونه یا پیشینه در خصوص تمدن کلاسیک مربوط به روم و یونان، دوره تمدن اروپای مسیحی در قرون وسطی و نیز شمال آفریقا و تمدن اسلامی در خاورمیانه می‌باشد. (۱۹)

امکان ندارد وقایع تاریخی یک شبکه بی‌ارتباط با یکدیگر باشند و بتوانند تحولات را نشان دهند. تغییر در اهداف، وسایل و بی‌آمدهای تمام جنگ‌ها را شاید بتوان از شروع دوران باستان تا جوامع متمدن ملی و بین‌المللی جست‌وجو کرد. وقایع اثرگذار بر روش‌های اجتماعی و ذهنی زندگی، تاثیر بسیار جدی بر تحولات جنگ داشتند. برای مثال تغییرات ناشی از ایجاد جوامع متمدن به عنوان بی‌آمدروند تکاملی اختلاط متقابل انسان‌های بدوی باعث شد تا انسان دوره

هدف از تاریخ، مطالعه گرایش‌ها و نوسانات در یک دوره طولانی است که از عصر قدیم شروع می‌شود و البته با یک روش ناقص، غیر مطمئن و یا واکاوی سوابق باستان‌شناسی انجام می‌گیرد و البته بیشتر مربوط به روابط متقابل انسان و نوع روش زندگی او می‌شود و اهداف، وسایل، مواد، فضا و زمان و تعداد نفرات شرکت‌کننده در جنگ‌ها و تعداد تلفات یک نبرد یا رزم را شامل نمی‌شود. این موارد تأثیرات مهمی در ایجاد و توسعه هنر جنگ داشته‌اند که متأسفانه اثر کمی از آنها به دست ما رسیده است.

تمدن از انسان دوره بدوی عاقل‌تر، باهوش‌تر و قدرت‌مندتر شود. این روند تکاملی پس از گذار از مراحل مختلف عقب‌گردهای زیاد و اضمحلال‌های گوناگون به تدریج وارد مرحله‌ای شد که آن را تمدن تکنولوژی و متروپلیتیکی معاصر می‌نامیم، که فقط کافی است با فشار بر روی یک دکمه - مکانیکی یا رایانه‌ای - تمام وسایل و فرایندها را در اختیار داشته باشیم.

هدف از تاریخ، مطالعه گرایش‌ها و نوسانات در یک دوره طولانی است که از عصر قدیم شروع می‌شود و البته با یک روش ناقص، غیر مطمئن و یا واکاوی سوابق باستان‌شناسی انجام می‌گیرد و البته بیشتر مربوط به روابط متقابل انسان و نوع روش زندگی او می‌شود و اهداف، وسایل، مواد، فضا و زمان و تعداد نفرات شرکت‌کننده در جنگ‌ها و تعداد تلفات یک نبرد یا رزم را شامل نمی‌شود. این موارد تأثیرات مهمی در ایجاد و توسعه هنر جنگ داشته‌اند که متأسفانه اثر کمی از آنها به دست ما رسیده است.

تفاوت اصلی میان جنگ بدوی و جنگ تاریخی را باید در سایه این حقیقت جست‌وجو کرد که انسان‌های بدوی زبان نوشتاری، زیرساخت‌های سیستمی کشاورزی و گله‌داری را به منظور ایجاد سلسله‌مراتب سیاسی و استفاده از حیوانات اهلی ابداع کردند که این امر به تدریج باعث رشد و توسعه بُعد پیچیدگی در کنترل و هدایت

مردم ساکن در یک قلمرو خاص و بایک مرام سیاسی خاص شد و نیز باعث به وجود آمدن زیرساخت‌های اقتصادی مبتنی بر مراکز بازرگانی پیش‌رفته شد که در نهایت شکل یک سازمان به خود گرفت و دارای هدف‌های سیاسی مشترکی شد، مذهب خاصی را اشاعه می‌داد، به توسعه قلمرو می‌پرداخت و بعدها روش‌های سیاسی را پی می‌گرفت.

رام کردن حیوانات وحشی مثل اسب و فیل به جز استفاده‌های شخصی باعث تحرک و راحتی بیشتر در حمل و نقل نفرات و تجهیزات شد. با ساخت کالسکه، گاری و ارابه فواصل طولانی و ناهموار را با سرعت بیشتر و راحتی طی می‌کردند. این اختراعات تشکیل ارتش‌های دائمی و شروع جنگ‌های محاصره‌ای و طولانی را ضروری ساخت و شکل دفاعی جنگ را قوی‌تر از شکل هجومی آن نشان داد. هر چند تا زمان شروع عصر ماشین، عملیات‌های نظامی کندتر شدند و شهرها با انبارهای غذا، مهمات و سلاح‌های قوی‌تر دفاعی مستحکم‌تر شدند.

از لحاظ سیاسی - اجتماعی، ایجاد دولت - شهرهای مخالف و متخاصم با توجه به سازمان‌های دینی، سنتی، مذهبی، سیاسی، نیازهای اقتصادی آنها و درگیری برای غلبه بر یکدیگر سبب شد توانایی‌ها و منابع مربوطه افزایش یابد و مشکل افزایش جمعیت برطرف شود. این موضوع به تدریج موجبات به وجود آمدن نیاز به تسلط یا دیکتاتوری را فراهم آورد. خودکامگی باعث شد قدرت به عنوان یک اصل اساسی در روابط متقابل مطرح شود.

رزم و نبرد شکل مرسوم اقدام نظامی بود که به عملیات متمرکز نظامی میان نیروهای مسلح در زمین و زمان مشخص (۲۰) مربوط می‌شد و برای کسب اهداف، به کارگیری منابع محدود و نیروی انسانی - بدون پی‌آمد سیاسی خاص - مورد استفاده قرار می‌گرفت. ماهیت جنگ یا از ماهیت وقایع و هدف‌ها یا از دلایل شروع جنگ یا ماهیت فیزیکی، اجتماعی، سنتی یا روان‌شناسانه نیروهای جنگ جو تعیین و انتخاب می‌شد. برای مثال ماهیت جنگ‌های میان مردم اداری پیشینه یک‌سان تاریخی، سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی - مثلاً جنگ‌های داخلی - متفاوت از جنگ‌هایی بود که میان مردم یا تمدن‌های دارای پیشینه مختلف (۲۱) صورت می‌گرفت که به لحاظ



ساختار ایدئولوژیکی، بهره‌وری اقتصادی، سازمان سیاسی و ارزش‌های سمبلیک (۲۲) بالغ نشده بودند، زیرا مفهوم کشور، ملت یا نژاد به عنوان یک واحد هنوز به منصفه ظهور نرسیده بود. عامل مهم دیگر در تعیین ماهیت جنگ به زمان، فضا و منطقه درگیری مربوط می‌شد.

اعتقاد بر آن است که شروع جنگ دوره باستانی مستقیماً از زمانی آغاز شد که مردم شروع به استقرار در روستاها نمودند و تمدن‌ها را شکل دادند، با مفهوم تملک و دارایی آشنا شدند، زمین را کشت کردند و کالاهای گران بها و زنان را تصاحب کردند. این موضوع باعث می‌شد که مردم به قدر کافی قوی شوند تا از دارایی‌های خود در برابر تهدیدات بیرونی دفاع کنند. (۲۳) با گذشت زمان برخی از تمدن‌هایی که نمی‌توانستند در برابر تنوعات آب و هوایی و اختلاط نژادی ناشی از مهاجرت‌ها یا اضمحلال فرهنگی تاب بیاورند، مضمحل و نابود شدند یا توسط تمدن‌های قوی‌تر بلعیده شدند. از همه مهم‌تر توسعه سریع جمعیت باعث شد برخی ماجراجویان و کاشفان به دنبال منابع و محل‌های جدید و بکر باشند. توین بی (Toynbee) معتقد است این نتیجه‌گیری که پیش‌رفت در روش‌های نظامی که معمولاً - نه همیشه - نشانه افول تمدن می‌باشد به نظر متقاعد کننده نمی‌باشد، زیرا تمدن‌ها در نتیجه هر جنگی، برای دست‌یابی به منابع بیشتر به منظور توسعه و کسب قدرت بیشتر، دچار خصومت و دشمنی بیش‌تری می‌شوند. (۲۴) بدون شک در اغلب جنگ‌ها توسعه دفاع به عنوان شکل قدرت مندتر جنگ بیشتر دنبال شده است، زیرا انسان جنگ را یک فعالیت غیر عادی می‌دانسته، اما آن را به دلیل نیاز، منطقی جلوه داده است.

روش یارویکردهای جنگی به دلیل حضور تعداد زیاد انسان‌ها دچار تحولات انقلابی شد. برای مثال تاکتیک دویدن به عنوان مانور - مثلاً برای دنبال کردن گله‌های بوفالو -، با تاکتیک حمله گروهی رزمندگان یا قشون ورزیده و با استفاده از روش‌های محاصره‌ای در برابر شهرهایی با دیوارهای بلند مورد استفاده قرار می‌گرفت. (۲۵) سیستم اتحادها و موازنه قدرت نیز برای دو قطبی کردن دنیا و جهان‌گشایی‌های تمدنی به رسمیت شناخته شد، مثل آهموس اول و تاتمیز اول در مصر، حمورابی و هزار سال بعد تیگلاس پیلسر در

بین‌النهرین، اسکندر در خاورمیانه، آشوکا در هند، چن در چین، ژولیوس سزار در مدیترانه و گال در فرانسه قدیم. (۲۶)

در زمان‌های اولیه، جنگ‌ها در اتحاد و انسجام دولت - شهرها و سپس تمدن‌ها مؤثر بوده‌اند، اما به تدریج مسبب ویرانی شناخته شدند، برای مثال می‌توان از مصر، بین‌النهرین، ایران، هند، چین و ... نام برد.

از آنجا که تمدن‌ها، به ویژه در کنار رودخانه‌ها مرکز سرزمینی مشخصی نداشتند و تنها مانع دفاعی آنها دیوارهای بلند و مستحکم بود، به ارتش‌های مجهزی متکی شدند که واحدهای نیروی پیاده قسمت اعظم آن را تشکیل می‌داد. این واحدها به واحدهای کوچک‌تر متشکل از ۶۰ تا ۷۰ نفر تقسیم می‌شدند. تاکتیک‌های مورد استفاده این واحدها عمدتاً استفاده از دیوارها و باروهای بلند بود که فقط با حمله گروهی می‌شد آن را از بین برد. در حدود سال ۱۴۶۸ قبل از میلاد، ارتش بسیار مجهز مصر با برخورداری از آذوقه، تجهیزات و واحد بهداشتی - پزشکی - قادر بود ۳۰ هزار نیروی جنگ جورا به طور میانگین ۲۵ کیلومتر در روز از مصر تا فلسطین حرکت دهد. (۲۷)

جنگ باستانی را پس از تجزیه و تحلیل انگیزه‌ها، عملکردها و روش‌ها تا ظهور عصر ماشین و به تبع آن جنگ‌های مدرن بهتر می‌توان درک کرد.

### الف - انگیزه‌ها

باید به جنبه تلاش جمعی در مبارزه توجه کرد. هر چند انگیزه‌های اصلی افرادی که عامل شروع جنگ نیستند ولی در تغییر و توسعه الگوهای رفتار جنگی مردم و تعیین ماهیت آن مؤثر هستند را باید مورد توجه قرار داد. برخی از این انگیزه‌ها موجب تشکیل ارتش و روحیه جنگی را فراهم می‌آورند. برای مثال عوامل غذا و جنسیت هر چند به طور غیر مستقیم در جنگ افزوری نقش داشتند، ولی عوامل قطعی و سرنوشت‌سازی محسوب نمی‌شدند. با این حال می‌توان از اسارت زنان سابقین\* در روم باستان در قرن هشتم قبل از میلاد مسیح سخن به میان آورد که البته پس از شکست مردان قبیله، در جنگ اسیر شدند (۲۸) که البته نمی‌توان آن را دلیل یا انگیزه برپایی جنگ دانست. بدون شک استثناهایی نیز در تاریخ مثل هلن بانوی تروا دیده می‌شود. اما انگیزه‌هایی مانند قدرت یا تسلط افراد، طبقه، یا کشور

\* زنان قبیله سابقین در کوه‌های مرکزی ایتالیا، قدیم زندگی می‌کردند.

و استقلال، کم و بیش اصلی‌ترین دلیل برپایی جنگ محسوب می‌شدند.

عوامل مهم دیگر مورد استفاده رهبران برای جنگ افروزی یا ایجاد روحیه جنگی در میان مردم عبارت بودند از: توسعه قلمرو، ماجراجویی افرادی که رهبر یا فرمانده می‌شدند و احساس نیاز به قدرت بیشتر را در خود برطرف می‌کردند یا امنیت را برقرار می‌ساختند، حفاظت از ارزش‌های مذهبی جامعه، حفاظت و دفاع از افراد جامعه و البته تبدیل تدریجی جنگ به ابزار سیاسی. تاثیر عامل ماجراجویی در برپایی جنگ در میان مردم دوره باستان در اوایل این دوره بیشتر از اواخر این دوره بود.

انسان دوره باستان کمتر تحت تاثیر محرک‌های بیرونی قرار می‌گرفت و این محرک‌ها تاثیر بیش‌تری بر انسان در دوره جنگ حیوانی داشت. وی کمتر تحت تاثیر آداب و رسوم گروهی یا قبیله اقدام به فعالیت می‌کرد. (۲۹) انسان دوره باستان از ملاحظات اقتصادی برای تامین نیازهای خود تاثیر می‌پذیرفت و چنانچه مشکلاتی نیز از ناحیه افزایش جمعیت، پیدا کردن چراگاه، مرتع و زمین برای کشاورزی یا اسکان متوجه او می‌شد، آن را برطرف می‌کرد. تصرف زمین نیز از لحاظ نظامی یا ملاحظه سیاسی برای او مهم بود. بنابراین بر خلاف انگیزه غریزه یا آداب و رسوم گروهی انسان بدوی، انگیزه سیاسی و کشورداری به عنوان اصلی‌ترین انگیزه جنگ دوره باستانی ظاهر شد که البته مانند یک واکنش خودانگیخته فردی یا گروهی بروز نمی‌کرد، بلکه از محاسبات رهبری ناشی می‌شد. (۳۰)

### ب- عملکرد

میل به دست‌یابی به ثبات و پیش‌رفت همان‌گونه که در جنگ بدوی به دست می‌آمد، موضوعی دور از تصور در دوره جنگ باستانی محسوب می‌شد، اما همچنان نقش تضمین‌کننده تغییر و تحول را به ویژه در یک شکل سریع‌تر به عهده داشت. این میل در توسعه هنر جنگی از طریق ابداع و ابتکار در تسلیحات به عنوان یک محرک عمل می‌کرد. در حالی که جنگ‌های بدوی نقش ترکیب‌کننده انسان را در تمدن ایفا می‌کردند، جنگ‌های باستانی یا تاریخی به دلیل وقوع گاه و بی‌گاه و قدرت انهدام خود از بین برنده انسجام و

وحدت بودند. گرایش به رقابت موجبات انقراض برخی گونه حیوانات را در دوره جنگ حیوانی پدید آورد و در دوره جنگ‌های باستان دوباره به موضوع انقراض نسل حیوانات تبدیل شد.

ظهور گروه‌های سیاسی با منافع مشخص از آنجا که اغلب در اقدامات جنگ‌گونه حضور می‌یافتند موجب شد ویژگی‌های خاصی از جنگ‌گرایی در مورد شکار، حمله به گله‌ها، انتقام و خصومت‌های خانوادگی یا جنگ‌های رسمی آشکار شود. البته ویژگی‌های اصلی جنگ‌های باستانی از لحاظ تاثیر بر انسان شبیه به جنگ‌های بدوی و جنگ‌های حیوانی بود که پویاتر و اجتماعی‌تر شده بودند. تمدن‌هایی که میل بیش‌تری به جنگ‌جویی داشتند در توسعه ارزش‌های فرهنگی خود تا حد بسیار زیادی موفق بودند.

رشد هم‌زمان چند تمدن در مجاورت یکدیگر به دلیل تعامل دو جانبه، تقلید و جنگ باعث تاثیرگذاری بر هنر جنگی یکدیگر می‌شد. تمدن‌های یونان و روم به تدریج راه‌را برای تولد فرهنگ‌های ایتالیایی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی که دارای گذشته مشابهی بودند باز کردند، اما تفاوت‌های بعدی در حوزه‌های فرهنگ و روش‌های جنگی و ادامه آن حتی در دوره معاصر - با رقابت زیاد نظامی - باعث تسلط بر یکدیگر می‌شد. زمانی که توازن در قدرت نظامی به وجود می‌آمد، تهاجمات بیرونی اتفاق نمی‌افتادند که این امر، سبب حرکت و آمادگی مداوم ماشین جنگی آنها می‌شد.

### ج- روش‌ها

با پیش‌رفت تمدن و افزایش جمعیت، تعداد گروه‌های جنگی قدرت مند پایه‌صحنه گذاشتند. ابداع و به کارگیری پرتابه‌های سنگی که به تدریج به شکل منجنیق، تیر و کمان و سلاح‌هایی از این دست ظاهر شدند راه را برای توسعه سلاح‌های پرتاب شونده همواره کردند. این سلاح‌ها باعث شدند سلاح‌های ضربه‌ای مثل تبر، نیزه و شمشیر انحصار خود را از دست بدهند و روش‌های جنگی پیچیده‌تر شده و متفاوت از گذشته شوند. این تحولات به تغییر در روش‌ها و تاکتیک‌های جنگی شدند. تبر تن به تن "به رزم از راه دور" و نبرد "جنگ و گریز" به "حمله گروهی" تغییر یافتند (۳۱) و بعد ویران‌کنندگی جنگ را تقویت کردند.

تشکیل ارتش‌های ثابت راه‌را برای ایجاد یک حرفه تخصصی با

سلاح، استعداد و نظم و ترتیب خاص برای مبارزه باز کرد. انسان تا زمان اختراع باروت همچنان با سلاح‌ها و روش‌های یکسان و با تفاوت اندک به دلیل تنوع آب و هوایی و شرایط محیطی اقدام به مبارزه می‌کرد. معرفی و عرضه روش محاصره‌ای، سیستم‌های استحکام‌سازی برای نفرات را ضروری ساخت که عنصر جدیدی را روش‌های جنگی اضافه کرد. به کارگیری برخی حیوانات در تمدن‌های چادرنشین، به ویژه در مصر، بین‌النهرین و یونان در مراحل اولیه آن بود. گفته می‌شود آشوریان که به مدت چهارصد سال بر خاورمیانه حکومت کردند به دلیل شیوه ترکیب و تلفیق اربابه‌ها، اسب سواران و نیروهای پیاده در میدان جنگ شکست‌ناپذیر بودند. در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح آنها از اسب سواران مسلح استفاده می‌کردند.<sup>(۳۲)</sup>

با رواج ساخت مواضع دفاعی و گسترش روش‌های محاصره‌ای، تاکتیک‌های استفاده از قیر داغ، گرسنگی دادن و استفاده از آب از لحاظ دفاعی و تهاجمی اهمیت یافت. جنگ‌های باستانی در نتیجه پیش رفت در ابعاد تحرک، دفاع و قدرت ضربه‌زنی به طور کلی از جنگ‌های بدوی متمایز شدند. استفاده از تاکتیک‌ها و سلاح‌های تقریباً مشابه - به دلیل تقلید - اهمیت مانور و مهارت‌های فرماندهی را در زمان استفاده افزایش داد. تقریباً تمام جوامع متمدن بر خلاف انسان‌های بدوی به اقدامات جنگی تمایل داشتند، اما آداب و رسوم و افسانه‌ها را در جنگ دخیل نمی‌کردند. فشار مستمر از ناحیه "همسایه‌های توسعه طلب و اقدامات آنها برای افزایش نیروی بالقوه‌ی نظامی خود"<sup>(۳۳)</sup> باعث شد ابتکارات نظامی رشد و توسعه یابند. مهارت نوشتن نیز نه تنها به انتقال صحیح اطلاعات، بلکه به حفظ آنها کمک کرد و موجب آموزش‌های صحیح و حفظ روحیه شدند.

ویژگی‌های بازر جنگ‌های باستانی عبارت بودند از: نیروهای پیاده حجیم، اسب سوارها، نیزه دارها و شمشیر به دست‌ها که لباس‌های زره‌دار می‌پوشیدند، نیروهای پیاده‌ی به هم پیوسته، آموزش‌های فشرده و تمرینات حفظ روحیه با استفاده از شعائر مذهبی، به کارگیری "دسته‌های سرباز به تعداد زیاد و مجهز به شمشیر و زوبین"<sup>(۳۴)</sup> در میان رومی‌ها کاملاً مرسوم بود. برای افزایش

بهره‌وری جنگی، اتکا به تعداد زیاد سرباز از طریق به خدمت‌گیری اجباری و تبلیغات نظامی کاملاً مرسوم بود. عملیات‌های نظامی به لحاظ تلفات جانی و هزینه‌های مالی اغلب کم خرج بودند. ترس دائمی از حملات بیرونی، تشکیل ارتش‌های حرفه‌ای دائمی را ضروری می‌ساخت و این امر باعث به وجود آمدن ارتش‌های مزدور شد. این ویژگی، باعث اتکای زیاد به ابعاد فنی مثل سلاح و تاکتیک شد که با پناه‌گاه‌ها و استحکامات پیشتیانی می‌شدند. در این میان سربازان به ایمنی خود بیشتر از پیروزی بر دشمن یا شکست بها می‌دادند.

#### د - نظریه

چنانچه جنگ حیوانی برای تنازع بقا و جنگ بدوی برای حفظ موجودیت گروه یا قبیله انجام می‌گرفت، جنگ تاریخی و باستانی به احتمال فراوان برای بقای تمدن‌ها آغاز شد. الگوهای رفتار گروهی به تدریج به الگوهای رفتار کشوری تغییر شکل دادند که این امر به تشکیل ارتش‌های دائمی منجر شد و به حرفه‌ای شدن جنگ کمک کرد. جنگ باستانی را می‌توان به عنوان سرآغاز جنگ معاصر تلقی کرد. قوه ذهنی انسان بیش از قوه خشونت او مبنای مانور قرار گرفت و اتکای به سلاح پدید آمد و او مجبور شد اختراعات و ابتکارات خود را به سمت ساخت سلاح یا پیدا کردن روش‌هایی برای حذف و نابودی دشمن سوق دهد. عنصر فرسایش در جنگ‌های دوره باستان دیده نمی‌شود، زیرا ماهیت مزدوری سربازان بیشتر بر مانور، اجتناب از جنگ و خسته کردن دشمن استوار بود تا جنگ، دنبال کردن جنگ و فرسوده کردن دشمن.

قوانین جنگی در جنگ‌های تاریخی و باستانی به لحاظ واقعیت به منصفه عملیاتی وارد نشدند، زیرا این قوانین بیشتر توصیه‌های رسمی درباره شروع و اجرای جنگ بودند و به ندرت وجوه استراتژیکی را شامل می‌شدند و نمی‌شد آنها را در جنگ اجرا کرد، زیرا پایان یا نتیجه جنگ توجه‌کننده و سایل محسوب می‌شدند که این امر باعث می‌شد ماهیت جنگ در اواخر این دوره مطلق جلوه کند. نظریه جنگی در این دوره با تغییر گاه و بی‌گاه مواجه می‌شد و نظریه‌های جدید با ابداع روش‌های جدید جنگی همراه می‌شد. جنگ برای گسترش عقیده انجام می‌شد. کونیسی رایت به درستی تحلیل می‌کند که "جنگ به گسترش کشورها و سپس نابودی آنها

- New York, 1974, p. 544.
6. Sills, David L., International Encyclopaedia the Social Sciences, Vol. 16, New York, 1969, p. 455.
  7. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 32.
  8. Ibid., p. 36.
  9. Sills, David L., International Encyclopaedic of the Social Sciences, op. cit., p. 455.
  10. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 35.
  11. Ibid., pp. 40-41.
  12. The New Encyclopaedia Britannica, Vol. 19, op. cit., p. 543.
  13. Ibid., p. 73.
  14. Ibid., p. 543.
  15. Maynard and Jefferis, Weapons and Warfare, op. cit., pp. 9-11.
  16. Ibid.
  17. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 85.
  18. Ibid., p. 90.
  19. Sills, David L., International Encyclopaedia of the Social Sciences op. cit., p. 456.
  20. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 102.
  21. A civilization may imply the availability to its people living th certain defined geographical limits during certain space of time of writing potential so as to enable it to pass the homogenous cultural threshold above which main collektivite decisions may be based on rational alternatives leading to the dissemination of certain cultural values and traditions on the basis of which improvement could be sought.
  22. Wright, Quincy, A study of War, op. cit., p. 106.
  23. Maynard and jefferis, Weapons and Warfare, op. cit., p. 11.
  24. Cited by Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 24.
  25. Sills, David. L., International Encyclopedia of the Social Science, Vol. 16, op. cit., p. 456.
  26. Ibid., p. 132.
  27. Maynard and Jefferis, Weapons and Warfare, op. cit., p. 14.
  28. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 135.
  29. Ibid., p. 132.
  30. Ibid., p. 144.
  31. Ibid., p. 144.
  32. Maynard and Jefferis, Weapons and Warfare, op. cit., p. 16.
  33. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 147.
  34. Ibid., p. 144.
  35. Ibid., p. 144.
  36. Maynard and Jefferis, Weapons and Warfare, op. cit., p. 38.
  37. Ropp, Theofore, War in the Modern World, London, 1962, p. 20.

کمک کرد و موجب اتحاد تمدن ها و سپس فروپاشی آنها شد. (۳۵)

بنابراین نظریه های مختلف جنگی در تمدن های گوناگون ابداع شد که برخی از آنها شباهت هایی با یکدیگر داشتند، زیرا بیشتر به تعریف شرایط جنگی می پرداختند. این مسئله باعث تکامل نظریه تطبیق پذیری جنگ با اصول ارزشی مرتبط به تمدن هایی می شد که منافع کشورها را در شکل استقلال ارضی دنبال می کردند. چنانچه انسان بدوی از جنگ برای ثبات و پیشرفت استفاده می کرد، انسان دوره باستان اغلب جنگ را با سلاح های منخرب تر برای فروپاشی و انهدام تمدن های دیگر به راه می انداخت. همچنانکه می توان از تاریخ فهمید چون چین و مصر باستان برای جنگ به عنوان یک ابزار سیاسی، اهمیت کم تری قائل می شدند بیشتر از تمدن هایی که اهمیت بیش تری به جنگ می دادند زنده ماندند. مصری ها با تفاهم با دیگران و درک قوانین بین المللی نظریه های مربوط به صلح را ابداع کردند و چینی ها به تکامل سلاح ها و روش های جدید جنگی همت گماردند. چینی ها در سال ۱۰۰۰ میلادی باروت را کشف کردند، ولی بیشتر در ساخت فشفشه و نورافشانی از آن استفاده کردند تا ساخت سلاح. (۳۶) این روند تا انقلاب صنعتی ادامه داشت که مرحله جدیدی از تمدن و جنگ آغاز شد که به جنگ مدرن و معاصر معروف گشت. جنگ دوره تمدن که حالا کامل تر شده بود دارای ویژگی های زیر می باشد:

- ۱- محلی شدن بیش از حد زندگی سیاسی و اقتصاد
- ۲- تفوق تکنولوژیکی پدافند نسبت به آفند
- ۳- سازمان های نظامی بر اساس سواری که زره می پوشیدند اتکا کردند که می توانستند نسبت به سربازان پیاده سریع تر حرکت کرده و ضربات سخت تری را بر دشمن وارد نمایند. (۳۷)

#### پی نوشت

1. Radcliffe Brown (A. R.) Structure and Function in Primitive Society, London, 1971, pp. 85-87.
2. Letournean, cited by Wright, Quincy, A Study of War, Chicago, 1965, p. 30.
3. Maynard and Jefferis, Weapons and Warfare, London, 1981, p. 7.
4. Wright, Quincy, A Study of War, op. cit., p. 21.
5. The New Encyclopaedic Britannica, Vol. 19,